

علل انحراف برخی از روشنفکران مسلمان

استاد علامه محمدتقی مصباح یزدی

بیشتر فرقه‌های خاص دینی باشد، میل و علاقه فراوان به «شهرت» و مطرح بودن است. تا جایی که فرد تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد و انواع مشکلات را به جان می‌خورد و با صرف هزینه‌های بسیار سعی می‌کند تا مورد توجه و محبوبیت دیگران قرار گیرد.

در طول تاریخ، بسیار بوده‌اند کسانی که سال‌ها مشقت و سختی زندان و حتی شکنجه و تبعید را پذیرا می‌شدند تا شاید طرفدارانی بیابند که برایشان آوای «زنده باد» سر دهند. نظیر چیزی که در بعضی از اقطاب صوفیه مشاهده می‌کنیم. چون هدف اصلی کسب محبوبیت و شهرت است و این میسور نمی‌گردد مگر با گفتن سخنانی که مورد پسند و خوشایند دیگران باشد، بنابراین چنین کسانی هیچ باکی از تغییر و تحریف حقایق - به گونه‌ای که اهداف آنان را تأمین می‌کند - ندارند، تا جایی که بعضاً تناقض‌های اساسی در سخنانشان مشاهده می‌گردد و در توجیه این تناقض‌گویی‌ها می‌گویند: همه راه‌ها مستقیم و همه آراء بر حق‌اند و به اصطلاح طرفدار «صلح‌کل» می‌شوند!

۲. احکام تبذیر: دومین عامل پیدایش انحراف و فتنه، همان چیزی است که تحت عنوان نوآوری و «بدعت در دین» مطرح

فتنه از قتل بدتر است.

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این که مردم عقاید و نگرش صحیح را از ایشان آموخته بودند و در زمان حیات نبی اکرم صلی الله علیه و آله آماده هرگونه جانفشانی و فداکاری در راه اسلام و حفظ جان پیامبر اکرم بودند و در جنگ‌های گوناگون دوشادوش حضرتش به کارزار پرداخته بودند، به اعمالی دست زدند و فتنه‌هایی را پایه گذاردند که نه تنها در سرنوشت مسلمانان که در آینده بشریت تأثیرهای زیان‌بار و حسرت‌انگیز بر جای گذارد. تأثیرهایی که برای قرن‌ها جامعه بشری را از نیل به سعادت محروم ساخت و این پرسش را در اذهان برجای گذاشت که چرا چنین فتنه‌هایی بعد از پیامبر اکرم رخ داد و این نتایج را به بار آورد؟

سوالی که مسلمانان صدر اسلام نیز آن را از حضرت علی علیه السلام پرسیدند و ایشان در پاسخ فرمودند: «آئما بدء وقوع الفتن أهواء تتبع وأحكام تبذیر»^(۲)

امیرمؤمنان در این سخن علت انحراف (= فتنه) را دو چیز معرفی می‌کند:

۱. هوی و هوس: ^(۳) هوی و هوس اقسامی دارد که از آن جمله علاقه شدید به پول و ثروت و انواع شهوت‌رانی را می‌توان نام برد.

یکی از هوس‌ها که شاید خاستگاه

علل انحراف برخی از روشنفکران مسلمانان چیست؟

برای پاسخگویی به پرسش فوق، بهتر است که علل انحراف یک مسلمان - نه فقط یک روشن فکر - را بررسی کنیم:

آنچه امروزه انحراف و کج‌روی خوانده می‌شود، در صدر اسلام عنوان «فتنه» داشته است: فتنه یا انحراف امری است که نخست در فکر و اندیشه پدیدار می‌گردد و آنگاه ممکن است به مقام عمل نیز سرایت کند و به صورت قتل و خون‌ریزی، تجاوز و... جلوه کند.

بنابراین، انحراف (= فتنه) در بُعد فکری ریشه و اساس است و آنچه در عمل بروز می‌یابد، ثمره و میوه آن محسوب می‌شود. به همین دلیل قرآن کریم انحراف فکری (= فتنه) را - از نظر ارزشگذاری - بدتر از اعمال ناشی از آن می‌داند. «... والفتنة أشد من القتل...»^(۱)



می‌شود که از عامل اوّل ناشی می‌گردد. حضرت علی علیه السلام این دو عامل را به عنوان دو عامل آغازین انحراف انسان معرفی می‌کنند و در واقع هشدار می‌دهند که در تفسیر دین باید بنا را بر «تسلیم» گذارد و نه امیال و آراء شخصی.

به عبارت دیگر، انسان به دو گونه می‌تواند با آیات و احکام الهی برخورد کند، یکی آن‌که آنچه در آیات و روایات برای بیان احکام الهی آمده است بی‌چون و چرا بپذیرد و به آن‌ها عمل کند و در فهم منابع شناخت دین؛ یعنی، آیات و روایات از روش صحیح استنباط و اجتهاد پیروی کند. دیگر آن‌که از قبل اموری را بپذیرد و به آن معتقد گردد و با

این پیش‌فرض‌ها به سراغ تفسیر و تأویل آیات و احکام برود و برخلاف شیوه اول آیات و روایات را به گونه‌ای تأویل کند که مطابق فهم و میل او باشد و به جای آن‌که او تابع دین و شریعت باشد، دین تابع وی و مطابق خواست او تفسیر گردد. هرکجا که احکام دینی با سلیقه‌اش سازگار نبود آن را آن‌طور که خود و یا دیگران می‌پسندند ارائه کند.

این در واقع همان نوآوری و بدعت در دین است که به هدف تأمین منافع و جلب محبوبیت و توجه دیگران، و بُت ساختن خود در نزد آن‌ها صورت می‌گیرد و در قالب بیان و عبارات جذاب ادبی و به عنوان «قرائت نو» از دین عرضه می‌گردد.

به هر حال، دو عامل پیش‌گفته در کلام امیرمؤمنان علیه السلام ریشه انحراف (= فتنه) هر مسلمانی و از جمله روشنفکران به شمار می‌رود. مسلمانان باید از هر دو عامل سخت پرهیز کنند.

..... پی‌نوشت

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۱

۲. نهج البلاغه، خطبه ۵۰

۳. به طور کلی آن دسته از گرایش‌ها و امیال انسانی که موجب ضعف ایمان، سب ایمان و یا عدم پیدایش ایمان می‌شوند و یا مانع از کسب فضایل و ارزش‌های اخلاقی می‌گردند «هوی و هوس» نامیده می‌شوند.

